

تحلیل و بررسی مضامین اشعار در مجلات کودک دهه‌ی هشتاد

جهاندوست سبزعلی پور* نسرین صادقی مهر** علی صفایی***
دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد رشت آموزش و پرورش دانشگاه گیلان

چکیده

شعر از جمله موضوعات مهم ادبیات کودک است. گرایش شعر کودک به سمت سادگی و روانی صرفاً به دلیل خصوصیات دوران کودکی است. آنچه شعر کودک را از سایر اشعار متمایز می‌کند، موضوعات، مضامین و مفاهیمی است که شاعران کودک به کار می‌برند. نشریات به دلیل تازگی مطالب ادبی، نقش ارزنده‌ای در روند روبه‌رشد شعر کودک دارند. در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشریات کودک از رشد کمی و کیفی نسبتاً خوبی برخوردار بوده‌اند. موضوع اصلی مقاله، بررسی مضامین اشعار دهه‌ی هشتاد نشریات کودک است. مجموعه‌ی مضامین به‌دست‌آمده در این پژوهش به‌ترتیب فراوانی آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. طبیعت (جاندار و بی‌جان)، ۲. دین و مضامین آیینی، ۳. مسائل اجتماعی سیاسی، ۴. تفریحات و سرگرمی، ۵. آموزشی علمی، ۶. اخلاقی تربیتی و ۷. سایر مضامین. در این مقاله ۵۹۹ شماره از مجله‌های کودک بررسی شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را مجله‌های دوست، کیهان، سروش، رشد و کوشش تشکیل می‌دهند که هر کدام دارای چندین قطعه شعر هستند. در این دوره، مضامین دینی که طبق پژوهش‌های قبلی، در دهه‌ی گذشته، از نظر فراوانی و بسامد در رتبه‌ی چهارم قرار داشت، به رتبه‌ی دوم ارتقاء پیدا کرده که نشان‌دهنده‌ی توجه شاعران در دهه‌ی هشتاد به امور دینی و آموزش‌های آن دارد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوایی، دهه‌ی هشتاد، شعر کودک، مجلات کودک، مضامین شعر.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی sabzalipor@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (مربی) n.sadeghimehr@yahoo.com

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی safayi.ali@gmail.com

۱. مقدمه

این مقاله با بررسی نشریات دهه‌ی هشتاد، به بُعد مضمونی شعر کودک پرداخته و پرسش اصلی‌اش این است که مهم‌ترین مضامین و محتواهای شعر کودک در دهه‌ی هشتاد کدام‌اند؟ این پژوهش چندان به دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های از پیش تعیین شده، متکی نبوده و خود برای دسته‌بندی بهتر، اشعار منتشرشده‌ی مجلات را یک‌به‌یک بررسی و مطالعه کرده است؛ باین حال، مضامین موجود در اشعار نشریات را می‌توان تاحدودی مطابق دسته‌بندی زرقانی و عباسپور نوغانی (۱۳۸۶) به شش دسته تقسیم کرد تا مهم‌ترین مضامین شعر دهه‌ی هشتاد به دست آید: ۱. دینی‌آیینی؛ ۲. اشیاء بی‌جان، طبیعت و جانداران؛ ۳. تفریحات و سرگرمی‌ها؛ ۴. مسائل اجتماعی سیاسی؛ ۵. علمی‌آموزشی و ۶. اخلاقی تربیتی.

برای ارجاع به شعر مجلات، از آنجا که ممکن است تعدادی از شاعران کودک برای برخی از خوانندگان ناآشنا باشند، علاوه‌بر اشاره به نام‌خانوادگی، نام کوچکشان نیز ذکر شده؛ سپس، نام نشریه و ارقام نوشته شده که این ارقام از راست به چپ، شامل شماره‌ی مجله و صفحه یا صفحات است و در برخی موارد، سال نشر هم بدان افزوده شده است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل نشریات دوست (۲۵۰ نسخه)، کیهان (۱۷۰ نسخه)، سروش (۸۱ نسخه)، رشد (۷۲ نسخه) و کوشش (۲۶ نسخه) است که هر کدام دارای چندین قطعه‌شعر هستند. به علت دردسترس نبودن تعدادی از شماره‌های این مجلات، بررسی آن‌ها امکان‌پذیر نشد و فقط از مجموعه‌ی آن‌ها، نتایج بررسی ۵۹۹ شماره از مجلات این دوره در این تحقیق آمده است. پرواضح است که در یک قطعه‌شعر، می‌توان چندین مضمون پیدا کرد و در این تعداد اشعار بررسی شده هم مضامین کم‌بسامد و پر‌بسامد بسیاری وجود دارد که برای این پژوهش فقط به مضامین پر‌بسامد تکیه شده و برای هر محتوا، نمونه‌های فراوانی از مجلات استخراج شده است؛ اما به دلیل مجال اندک مقاله، فقط به نمونه‌هایی اندک اشاره می‌شود. هدف این پژوهش، ادبیات کودک به معنای کلی‌اش بوده است، نه آثار مربوط به گروه سنی خاصی؛ به عبارت دیگر، در این پژوهش منظور از ادبیات کودک آن ادبیاتی است که در مجلات کودک بررسی شده در این پژوهش آمده که ممکن است در میان این آثار، مطالب مخصوص به مخاطبان نوجوان هم وجود داشته باشد.

۲. پیشینه‌ی بحث

در زمینه‌ی آثاری که به تقسیم‌بندی مضامین شعر کودک پرداخته‌اند، می‌توان به شعر کودک در ایران، از کیانوش (۱۳۵۲)، شعر کودک از آغاز تا امروز نوشته‌ی موسوی گرمارودی (۱۳۸۶)، شعر کودکی از قیصر امین‌پور (۱۳۸۸)، پژوهشی در شعر کودک نوشته‌ی علی‌پور (۱۳۸۵) و نیم‌قرن در باغ شعر کودک از عباس یمینی شریف (۱۳۸۴) اشاره کرد. زرقانی و عباسپور نوغانی (۱۳۸۶) نیز محتوای شعر کودک دهه‌ی هفتاد را بررسی کرده‌اند. استاذزاده (۱۳۹۱) نیز به محتوای اشعار کودکانه‌ی پروین دولت‌آبادی توجه کرده و موسویان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌اش، طنز و فکاهه در شعر کودک و نوجوان دهه‌ی هشتاد را در کانون توجه قرار داده است.

۳. تقسیم‌بندی مضمونی شعر کودک دهه‌ی هشتاد

یکی از روش‌های رایج در ادبیات کودکان و نوجوانان، تقسیم‌بندی‌های انجام‌گرفته بر اساس محتوا و مضمون است. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها لالایی، اشعار بی‌معنی، اشعار مربوط به زندگی کودکان، قصه‌ها، حکایات منظوم و اشعار طبیعت است که چندان علمی به نظر نمی‌رسد (نک: مرتضوی کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۴-۲۱۲).

از میان تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم مضامین شعر کودک به وصفی، تمثیلی، رفتاری، آموزشی، چندجنبه‌ای و مهمل، نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌ها جامع‌تر است (نک: کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۰۴-۱۲۵). موضوعات شعر کودک را می‌توان به صورت زیر نیز بیان کرد:

۱. «درون‌مایه‌ی طبیعت‌گرا (شامل حیوانات، پرندگان، گل‌ها و گیاهان، شب و روز، ابر و باد، برف و باران، فصل‌ها، ماه و خورشید و طبیعت)؛

۲. درون‌مایه‌ی سرگرم‌کننده و لذت‌بخش (شامل شادی، بازی، چیستان، اشیاء، آرزوهای کودکانه و نقاشی)؛

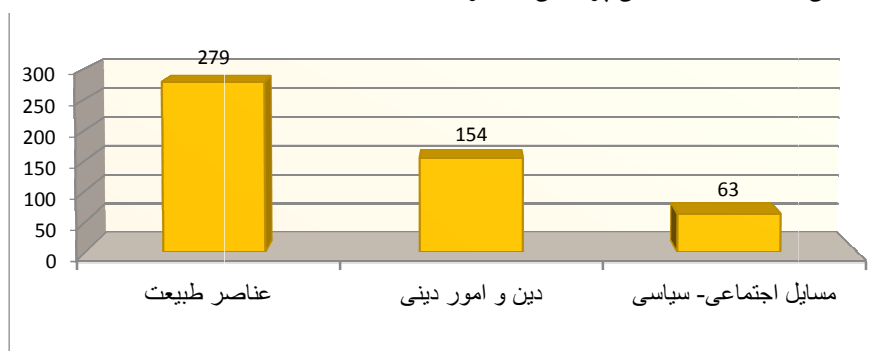
۳. درون‌مایه‌ی سیاسی و اجتماعی (شامل پدیده‌های سیاسی اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، نوع زندگی اجتماعی و مشکلات اجتماعی)؛

۴. درون‌مایه‌ی دینی (شامل خدا و مفاهیم انتزاعی، شخصیت‌های دینی و احکام و عبادات)؛

۵. درون‌مایه‌ی آموزشی و علمی (شامل آموزش اعداد و حروف)؛

۶. درون‌مایه‌ی تربیتی اخلاقی (شامل تعلیم و تربیت و مهربانی ورزیدن)» (زررقانی و عباسپور نوغانی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

با توجه به گستردگی و تنوعی که در موضوعات شعر کودک دیده می‌شود، هرچیزی به فراخور سن مخاطب می‌تواند موضوع شعر باشد؛ به همین دلیل، شاعران کودک بر جنبه‌ی فکری شعر بیشتر از جنبه‌ی زیبانشناختی آن تکیه دارند. مضامین به‌دست‌آمده در این پژوهش از نظر بسامد عبارتند از:



نمودار شماره‌ی ۱: فراوانی مضمون‌های گوناگون در اشعار کودکان

۳-۱. طبیعت (جاندار و بی‌جان)

زیباترین بخش شعر کودکان، بخش مربوط به طبیعت است. منظور از طبیعت در این پژوهش، هم طبیعت به معنای دقیق خود، یعنی اجرام و امور طبیعی، هم جانداران و هم اشیا و طبیعت بی‌جان است.

اشعار با مضمون طبیعت به قدری در این مجلات زیاد است که می‌توان گفت در نظر شاعران شعر کودک، دنیای کودک فقط آن دنیایی است که می‌بیند و حس می‌کند یا به عبارت دیگر، دنیای محسوسات است. کودک به دلیل آنکه برای سؤالات پیچیده آماده نیست، به راحتی با دنیای اطراف و ملموس خود آشنا می‌شود و آن‌ها را می‌بیند و می‌شناسد. طبیعت را می‌توان به دو بخش حیوانات و سایر عناصر طبیعی تقسیم کرد؛ منظور از عناصر طبیعی هر چیزی غیر از حیوانات است که در طبیعت یافت می‌شود، مانند باد، باران، آتش، دریا، برف یا گل و گیاه و باغ و شکوفه و سبزه و ...

در این تحقیق، از نظر فراوانی، در بین تمام مضامین بررسی شده، مضمون آشنایی با طبیعت و جانداران و اشیا بی‌جان بیش از همه مورد توجه بوده است؛ به عبارتی دیگر، در ۵۹۹ شماره‌ی مجله‌های مورد بررسی، ۴۰۶ شعر مربوط به طبیعت بوده است. در تحقیق‌های

مشابه دیگری نیز که در ایران در این باره صورت گرفته، مضمون طبیعت بیشترین فراوانی را داشته است (نک: همان: ۱۶۹؛ استاذزاده، ۱۳۹۱: ۲).

۳-۱-۱. حیوانات

حیوانات در اشعار کودک، به دو دسته‌ی حیوانات اهلی و خانگی (نظیر گربه، بره، خروس، مرغ، جوجه‌ها، اسب، بز، بزغاله، ماهی قرمز سفره‌ی عید) و غیرخانگی (مانند شیر، خرس، گنجشک، پرستو، روباه، گرگ، کلاغ، سوسمار، عنکبوت، کبوتر و...) تقسیم می‌شوند.

- **سوسمار:** «اسمت چیه؟/ سوسمار/ خونه‌ات کنجاست؟/ نیزار/ پوست تنت آج‌دار/ دست و پاهات کوتاهه/ زیر ناخانات سیاهه/ چشمات به رنگ کاهه/ هم تو آبی هم تو خاک/ دندون داری تیز و پاک/ هی می‌زنی تو مسواک؟» (وظیفه‌شناس، ۱۳۸۶الف: ۸).

- **ماهی قرمز:** ماهی تو تنگش رقصید/ خاله به ماهی خندید/ یک کاسه شیر تازه/ دادش به پیشی نازه» (وظیفه‌شناس، ۱۳۸۴الف: ۱۵ و ۱۶).

- **ماهی و گربه:** «یک تنگ پر از آب و/ دو تا ماهی بی‌خواب و/ یه دیوار و/ دو تا گربه‌ی بیکار و/ سگی چاق و/ صدای واق و واق و واق و/ یه گاری/ دو تا گربه‌ی ترسو و فراری» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۷۰).

- **جیرجیرک:** «از دل گل‌های وحشی/ جیرجیری را شنیدم/ هر چه گشتم لای گل‌ها/ جیرجیرک را ندیدم/ ناگهان دیدم در آنجا/ باغی از گل‌های قاصد/ یک گل زیبای قاصد» (شعبانی، ۱۳۸۳الف: ۱۰ و ۱۱).

- **پروانه و گل:** «پروانه‌های رنگ‌وارنگ/ در آسمان پر می‌کشیدند/ بر برگ گل‌ها می‌نشینند/ از شهد گل‌ها چشیدند/ می‌خواستم پروانه باشم/ مانند آن‌ها پر بگیرم» (شعبانی، ۱۳۸۶: ۷۰).

- **پروانه و غنچه:** «یک غنچه‌ی کوچک/ بر شاخه پیدا شد/ گلدان من امروز/ بسیار زیبا شد/ پروانه‌ای آمد او را نوازش کرد/ غنچه نمی‌خندید/ پروانه خواهش کرد» (معمدجلالی، ۱۳۸۴: ۵).

۳-۱-۲. سایر عناصر طبیعت

بسیاری از عناصر طبیعت در شعر کودک تبدیل به یک مضمون شده و شاعر از آن‌ها برای پرورش اندیشه‌های خود بهره برده است:

- **ابر:** «ابر بارید/ زیر باران/ چتر خود را باز کردم/ باد آمد/ بال چترم را تکان داد/ پرکشیدم/ مثل گنجشک/ در هوا پرواز کردم» (شعبانی، ۱۳۸۴: ۷).

- گل: «وقتی که گل پا شد/ از خواب شب کم‌کم/ روی خودش را شست/ با قطره‌ای شب‌نم/ آن‌گاه با شادی/ رو کرد به خورشید/ خوشحال شد وقتی/ خورشید او را دید/ خورشید نورش را/ بر روی گل انداخت/ یک حوله‌ی زیبا/ از گرمی خود ساخت/ گل حوله را خوشحال/ بر صورتش مالید/ شد خشک روی گل/ شاداب شد خندید» (ابراهیمی شاهد، ۱۳۸۶: ۱۰).

۳-۱-۳. توصیف اشیای بی‌جان

در این اشعار، گاه، به جای عناصر طبیعی و جاندار، از اشیای بی‌جان و جامدات صحبت می‌شود که در زندگی هر انسانی فراوان است. کودک برای آشنایی با نام و کارکرد هر کدام لازم است کم‌کم با همه‌ی آن‌ها آشنا شود تا بتواند در آینده از آن‌ها استفاده کند. به این دلیل، گاه، یک لنگه‌کفش یا یک لنگه‌جوراب پاره یا یک قیچی، مضمونی برای شعر شاعر کودک می‌شود:

- شلنگ آب: «در حیاط ما/ زیر آفتاب/ خواب رفته است/ یک شلنگ آب/ باز می‌کنم شیر آب را/ خیس می‌کنم/ آفتاب را» (بکتاش، ۱۳۸۴: ۳۱).

- قیچی: «رفتم بالا شونه بود/ دندونه‌دندونه بود/ موج موهامو صاف می‌کرد/ پیچید کلاف کلاف می‌کرد/ اوادم پایین قیچی بود/ قیچی می‌زد هرچی بود/ اومد به خونه‌ی ما/ دوست شد با شونه‌ی ما/ موی منو کوتاه کرد/ سرم را مثل ماه کرد» (کشاورز، ۱۳۸۷: ۳).

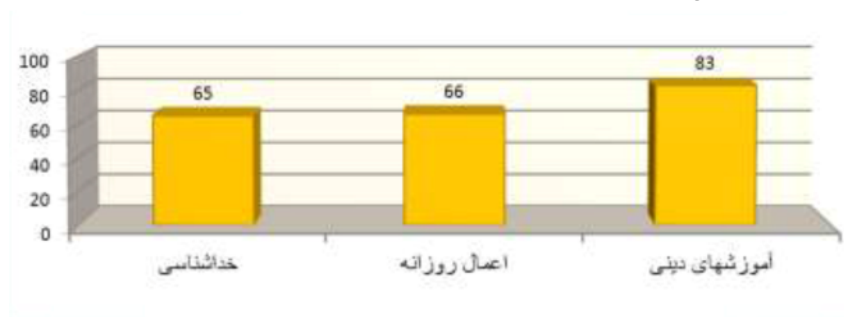
۳-۲. دین و مضامین دینی آیینی

یکی از موضوعاتی که در نشریات کودک و نوجوان دوره‌ی مورد نظر، بسیار تکرار می‌شود، موضوعاتی با محوریت دینی است. منظور از دین در اینجا، به‌طور کلی مسائل و موضوعات دینی نظیر نماز، روزه، دعا، نیایش و شکرگزاری خداوند، چستی خداوند و مسائل دیگر شبیه آن است. اینکه خدا چیست و کیست، انبیا کیستند، امامان و معصومین چه کسانی هستند و چه ویژگی‌های دارند و اعمال عبادی ما چیست. قصد شاعران از این کار آشناکردن کودکان با مسائل دینی است؛ چراکه یکی از بهترین دوران آشناسدن آن‌ها با این مسائل همین دوره‌ی کودکی است.

دین در اشعار این دوره موضوعی پربسامد است و از نظر فراوانی، بعد از طبیعت قرار دارد. چنین امری با نتایج یکی‌دو تحقیق مشابه، تفاوتی بارز دارد؛ مثلاً، در نتایج زرقانی و عباسپور، از میان شش مضمون، دین در رده‌ی چهارم و در پژوهش استادزاده، در ردیف آخر

قرار دارد. این اختلاف معنادار است و دلیل آن هم احتمالاً این است که جامعه‌ی هدف این پژوهش در دهه‌ی هشتاد قرار دارد و زرقانی و عباسپور نوغانی اشعار دهه‌ی هفتاد را بررسی محتوایی کرده‌اند. اشعار پروین دولت‌آبادی هم که استاذزاده آن‌ها را بررسی کرده، قبل از دهه‌ی هشتاد منتشر شده‌اند. دلیل دیگر نیز، این می‌تواند باشد که در این مقاله تمرکز روی شعر مجلات است و در آن‌ها به دلایلی طبق سیاست روز جامعه و اهداف خاص مجله، شعر سفارشی چاپ می‌کنند.

حال باید از طریق جامعه‌شناسی ادبیات، دلیل یا دلایل توجّه ویژه نشریات به امور دینی را در دهه‌ی هشتاد بررسی کرد.



نمودار شماره‌ی ۲: فراوانی مهم‌ترین مضامین دینی در اشعار کودکان

۳-۲-۱. اعمال روزانه‌ی دینی مانند نماز و روزه

«جانمازم شکل یک پروانه است/ شکل یک پروانه با بالی قشنگ/ مادرم هر بال او را دوخته/ باغ رنگین کمان هفت‌رنگ/ بال‌های نرم این پروانه را/ با دو دست کوچکم وامی‌کنم/ قبل یک پروانه هنگام نماز/ شادی پرواز پیدا می‌کنم» (ماهوتی، ۱۳۸۲: ۱۰).

کودک و نوجوان، به دلیل ضعف جسمی، نمی‌تواند روزه‌ی کامل بگیرد و بدان خاطر، سر و کار او با روزه‌ی به اصطلاح کله‌گنجشکی است. این نوع روزه، چون تجربه‌ی اوّل کودکان است، خیلی هم برایشان لذت‌بخش و به یادماندنی است: «رمضان امسال/ گفت مادر: زهرا/ دوست داری بخوری/ سحری را با ما... مادرم گفت آرام، حرف او شوخی بود: روزهات زهرا جان/ کله‌گنجشکی بود» (فردوس، ۱۳۸۱: ۷).

در اشعار فوق، شاعر سعی کرده تصاویر دینی درون کودک را ترسیم کند. کودکان با فلسفه‌ی اعمال دینی آشنا نیست. شوق بزرگان به اعمال دینی، مثل نماز و روزه، به‌ویژه خوردن سحری در نیمه‌های شب که در سایر اوقات سال کمتر دیده می‌شود، کودک را به امور دینی می‌کشاند و روزه‌ی کله‌گنجشکی بخشی از لذت‌های دینی دوران کودکی است.

۳-۲-۲. آموزش‌های دینی

در مواقعی شاعران مجلات کودک و نوجوان سعی در آموزش امور دینی دارند و شعر کودک مجالی است برای این آموزش. باهنر درباره‌ی تعالیم دینی به کودکان می‌نویسد: «به‌طور کلی، در نظریه‌ی گل‌دمن^۱، سه مرحله تفکر شهودی، عملیات عینی و عملیات صوری نظریه‌ی پیازه در درک مفاهیم دینی نیز تأیید شد؛ اما با این تفاوت که مرحله‌ی عملیات عینی، در زمینه‌های مذهبی، مدت زمان بیشتری به طول می‌انجامد و تا حدود سن عقل (سیزده یا چهارده‌سالگی) ادامه می‌یابد. این مهم نشان می‌دهد که نباید مباحث و تعالیم دینی را با سایر مباحث علمی مقایسه کرد» (باهنر، ۱۳۸۸: ۲۱۳).

باهنر دین‌شناسی در کودکان و نوجوانان را به چند مرحله تقسیم می‌کند: «۱. دوره‌ی تفکر پیش‌مذهبی (۷ و ۸ سالگی)، ۲. دوره‌ی تفکر مذهبی ناقص اول (۷ تا ۹ سالگی)، ۳. دوره‌ی تفکر مذهبی ناقص دوم (۹ تا ۱۱ سالگی)، ۴. دوره‌ی اول تفکر مذهبی شخصی (۱۱ تا ۱۳ سالگی)، ۵. دوره‌ی دوم تفکر مذهبی شخصی» (همان: ۲۱۲). او در ادامه تأکید می‌کند که هر دوره‌ای، تفکر مذهبی خاصی بر اندیشه‌های کودک حاکم است که باید به موقع آن‌ها را شناخت و اگر این شناخت حاصل نشود، چه بسا گمراهی‌هایی به همراه دارد.

۳-۲-۳. خداشناسی و تفکر درباره‌ی چستی خدا

سؤال از هستی و چستی عالم یکی از سؤالات اساسی عالم هستی است که از قدیم‌الایام ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. این سؤال در دوران کودکی هم ممکن است پیش بیاید. در شعر کودکان گاه مباحثی از این دست به چشم می‌آید که از نظر محتوا، فرقی با شعر مولوی و دیگر عرفا و فلاسفه نمی‌کند؛ فقط الفاظش کودکانه است. این که من چستم و کیستم و از کجا آمده‌ام و باید خودم را بشناسم، دغدغه‌ی همیشگی بشر بوده است:

- «زندگی خواهم کرد، تا بیکران‌ها خواهم دوید/ در جستجوی چه هستم نمی‌دانم/

ثانیه‌ها در گذر، تو و من در فکر/ شاید در فکر رهایی» (زاده‌امیری، ۱۳۸۱: ۴۸ و ۴۹).

- «باید در اعماق دل دریا نفوذ کرد/ باید امواج را شناخت/ درخشش نوری مرا به

سوی خود می‌خواند/ باید روشنایی‌ها را شناخت/ باید در بیکران خویش فرو رفت/

باید خویش را شناخت» (بیانی، ۱۳۸۱: ۴۸ و ۴۹).

¹. Goldman

- «تو در آن زمان که نامی / ز جهان نبود، بودی / در بسته‌ی جهان را / به جهانیان گشودی / ... تو که‌ای؟ چه‌ای؟ کجایی؟ / به خدا هر آنچه هستی / تو خدا همیشه بودی / تو خدا همیشه هستی» (علی‌اکبرسلطان، ۱۳۸۳: ۹).
- «خدایا مرا کن هدایت / به راه کسی که بهشتی است / مرا دور کن از بدی‌ها / و دورم کن از هر چه زشتی است» (ابراهیمی‌شاهد، ۱۳۸۱ الف: ۷۰۶).
- «به مادر گفتم آخر این خدا کیست؟ / که هم در خانه‌ی ما هست هم نیست؟» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۹).

گاه کودک چنان به هستی می‌نگرد که گویا سعی در حل مسائل بنیادی جهان دارد. نگاه کودک به این هستی در این موارد نگاهی پدیدارشناسانه است؛ یعنی سعی دارد بداند که امور هستی چرا چنین هستند و اگر فی‌المثل باران نمی‌بارید چه می‌شد و اگر جنگل، درخت نداشت چه پیش می‌آمد؟ «راستی جنگل چرا / پر درخت است و بزرگ؟ / توی جنگل چند تا / بیر هست و شیر و گرگ؟ / راستی آب از کجا / توی دریا آمده؟ / چشمه از زیر زمین با چه بالا آمده؟» (ابراهیمی‌شاهد، ۱۳۸۳ الف: ۹۰۸).

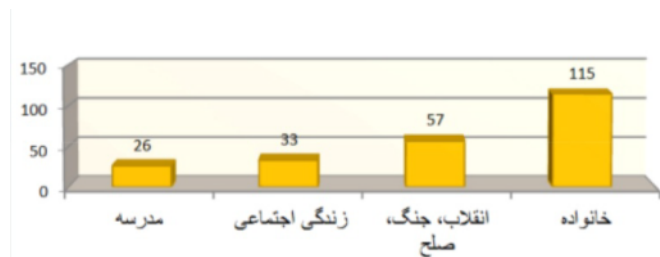
گاه در این اشعار، سخن از چیستی دنیا، هستی و خداوند است و گاهی صحبت از قدیم و حادث و مسائل کلامی است؛ یعنی بحث بر سر این است که خداوند حادث است یا قدیم. چنین سؤالاتی بیش از همه در ذهن کودکان شکل می‌گیرد، بعدها کم‌کم به دلیل سکوت و ناتوانی بزرگترها در جواب‌دادن، در آن‌ها فروکش می‌کند. اگر بتوان در این دوران با طرح سؤالاتی کودکان را به پرسشگری بیشتر واداشت، شاید بتوان زمینه‌های رشد آن‌ها را با ابزار شعر بیشتر فراهم کرد.

۳-۳. مسائل اجتماعی سیاسی

تعداد ۲۲۴ شعر در مجلات مورد بررسی وجود دارد که در آن‌ها به مسائل اجتماعی سیاسی اشاره شده است. منظور از مسائل اجتماعی سیاسی هر امری نیست که در اجتماع اتفاق می‌افتد و مربوط به جامعه‌ی انسانی است؛ بلکه منظور اموری است که در جامعه‌ی ذهنی و نگاه کودک اتفاق می‌افتد، یعنی باید یک تفاوتی بین دنیای کودک یا به تعبیری «زیست‌جهان» کودک و «زیست‌جهان» شاعر قائل شد.

می‌توان این مسائل را به چند دسته تقسیم کرد: خانواده، مدرسه و جامعه که صرفاً اجتماعی هستند و در کنارشان گاه مسائل سیاسی هم ذکر شده است، مثل جنگ فلسطین و اسرائیل، صلح جهانی، کودکان آواره، حمله‌ی آمریکا به عراق و

در خانواده، کودک اول با پدر، مادر، برادر و خواهر و سپس با فامیل، نظیر خاله، عمو، عمه، دایی، مادربزرگ و پدربزرگ روبه‌روست و در زندگی او همه‌ی این افراد نقش اساسی دارند. پدر در شعر کودک کسی است که در بیرون از خانه در حال کار است و کفش یا جورابش ممکن است پاره باشد، دستش پینه‌بسته باشد یا خسته از سرکار به خانه برگردد. مادر همواره همدم کودک است و کودک امور هستی را اغلب از او یاد می‌گیرد. مادربزرگ گاه با سجاده‌ی نماز و تسبیحش شناخته می‌شود.



نمودار شماره ۳: فراوانی مضمون سیاسی و اجتماعی در اشعار کودکان

۳-۳-۱. خانواده

- مادر بزرگ: «کسی مثل مادربزرگم/ از آن سوی میدان می‌آید/ صمیمی و ساده/ چه آرام و خندان/ کسی مثل مادربزرگم/ گذشت از کنارم/ و حتی نگاهی به چشمانم انداخت/ مرا هیچ نشناخت» (پوروهاب، ۱۳۸۱: ۱۳ و ۱۲).

- پدربزرگ: «بابابزرگ پیرم/ عصایی کهنه دارد/ هر روز با عصایش/ به پیش ما می‌آید/ دیروز بابابزرگم/ دوباره پیش ما بود/ در دست خسته‌ی او/ عصای نو، حالا بود» (بازقی، ۱۳۸۹: ۴۹).

- برگشت پدر از کار یا سفر: «بابا که آمد از سر کار/ شد خانه‌مان لبریز خنده/ مثل بهاری با خود آورد/ عطر گل و بوی پرنده/ من مثل یک پروانه‌ی شاد/ بر روی زانویش نشستم/ او خنده‌ای کرد و به من گفت: 'امشب حسابی خسته هستم'» (میرزاده، ۱۳۸۴: ۷).

گاهی عروسک نیز جزئی از ذهن کودک را پر می‌کند و حتی یک عضوی از اعضای خانواده‌ی او می‌شود. کودک با شادی ظاهری عروسکش خوشحال و با آسیب‌دیدن آن ناراحت می‌شود: «یک غصه آمده است/ در قلب کوچکم/ زیرا شکسته است/ دست

عروسکم/ با آنکه او تنش/ از جنس چوب بود/ اما عروسکی/ زیبا و خوب بود/ حالا که دست او/ از ته شکسته است/ بر روی دامنم غمگین نشسته است» (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۷).

در اشعار بررسی شده، تاحدی، شاعران سعی کرده‌اند تفاوت بارز دو دنیای عینی کودکان و ذهنی شاعران را به حداقل برسانند. عدم تمایز این دو دنیا می‌تواند شعر کودک را به شعری تحمیل شده و کلیشه‌ای تبدیل کند که بسیار خطرناک است. پرستش با کمی دقت به این نکته اشاره کرده و می‌نویسد: «ادبیات کودکی یکی از شاهراه‌های مهم اجتماعی کردن کودکان به شمار می‌رود که متأسفانه به دلیل بی‌خبری نویسندگان از قواعد عمل در جهان کودکان، به ابزار سرکوب تبدیل شده است» (نک: پرستش، ۱۳۸۹: ۳۲).

۳-۳-۲. مدرسه

مدرسه محیط دیگری است که بعد از خانه، ذهن کودک را به خود مشغول می‌کند و در شعر کودک نیز دغدغه‌های مدرسه رفتن و شادی و مشکلات آن به کرات آمده است.

- «آسمان به چشم من/ مثل مدرسه است/ هر ستاره یک محصل است/ ماه هم معلم حساب و هندسه است/ زهره مبصر کلاس اوست/ هر ستاره که درس نور را/ بهتر امتحان دهد/ آفتاب/ - که مدیر مدرسه است- / بسته‌ای مدادشمعی رنگین‌کمان/ هدیه می‌دهد به او/ ...» (محقق، ۱۳۸۱: ۷۰۶).

- «سلام ای معلم بزرگوار، که رهنمای زندگانی منی/ رفیق دوره‌ی عزیز کودکی/ چراغ دوره‌ی جوانی منی/ تو با کلام گرم و مهربان خود/ به من شجاعت و امید می‌دهی...» (رحماندوست، ۱۳۸۵: ۲۷ و ۲۸).

۳-۳-۳. زندگی اجتماعی

کودک وقتی از محیط مدرسه پا به بیرون می‌گذارد، کم‌کم با مسائل مهم‌تری آشنا می‌شود که بعدها ذهنش را بیشتر درگیر می‌کند. گذشتن از خیابان و چراغ قرمز شاید اولین مشکل کودک برای پا گذاشتن به دنیای اجتماعی جدید باشد. آشناسدن با مشاغل جدید شهری مدتی ذهن بچه را به خود مشغول می‌کند. کودک در این محیط با کار آشنا می‌شود. او یاد می‌گیرد که هر کسی کاری دارد و تا تقسیم کار نباشد شاید کاری پیش نرود. «شعر، فقط نباید شادی کودکان را منعکس سازد؛ بلکه باید رنگ اجتماعی داشته باشد و احساس وظیفه‌ی شهروندی طفل را تقویت کند» (علی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۷).

- تقسیم کار: «می‌توانم من بپوشم/ روز شلوار خودم را/ می‌کنم هر روز و هر شب/ من خودم هر کار خود را» (ابراهیمی شاهد، ۱۳۸۳ الف: ۱۵).

– همدردی با دیگران: «زلزله، زلزله، زلزله! ناگهان ریزش سنگ و شب/ نه مجالی که اشکی به چشم/ نه امانی که آهی به لب/ ... نیمه‌شب کودکان گم شدند/ باز هم زیر آوار و خواب...» (شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۶ و ۲۷).

کودک نمی‌تواند مسائل سیاسی پیرامون خود را تشخیص بدهد و درباره‌ی آن‌ها قضاوت کند؛ اما از آنجاکه شاعران مجلات کودک و نوجوان نمی‌توانند به‌دور از این فضا باشند و هر شعری به‌نوعی بازتاب محیط اطراف خویش است، در شعر کودک هم به‌ناچار مسائلی مطرح شده که آن‌ها را کم‌کم با دنیای بزرگ پیرامون خودشان آشنا می‌کند. از اهم این مسائل، جنگ‌ها و انقلاب‌های در سطح جهانی هستند، مثلاً جنگ ایران و عراق و نیز جنگ اسرائیل با مردم فلسطین و صلح جهانی و

۳-۴. انقلاب، جنگ، صلح و مسائل سیاسی دیگر.

– انقلاب ایران: «شب بود ز تنهایی/ جان بر لب آمد/ در آن دل تاریکی/ یکباره صدا آمد: / ما خسته شدیم از شب/ ما منتظر ماهیم/ ای روح خدا، برگرد! / ما شاه نمی‌خواهیم» (علاء، ۱۳۸۲ الف: ۳).

– جنگ ایران و عراق: «بچه‌ها خانه‌ی شما آباد/ خانه‌هایتان همیشه بر پا باد/ ... شبی اما جهان دگرگون شد/ دل ایران ما پر از خون شد/ دشمن آمد شبانه بمب انداخت/ خانه‌ام را ز کینه ویران ساخت/ شهر را گلوله باران کرد/ هرچه دستش رسید ویران کرد...» (رحماندوست، ۱۳۸۴: ۷ و ۶).

– شهدای جنگ: «پیش از حمله/ یک بسیجی در دست/ در دل تاریکی/ پی چیزی می‌گشت/ ناگهان در دل خاک/ چند «مین» پیدا کرد/ ... ناگهان بر قلبش/ زخم یک تیر نشست...» (علاء، ۱۳۸۶: ۲۶ و ۲۷).

– جانباز: «وقتی به جبهه می‌رفت/ بابای من دو پا داشت/ وقتی به خانه برگشت/ با خود دو تا عصا داشت/ با این دو پای چوبی/ پاهای او سه تا شد/ نام پدر از آن روز/ جانباز جبهه‌ها شد» (کلاته، ۱۳۸۷: ۷).

– جنگ فلسطین: «امروز وقتی باغ ما را/ خفاش‌ها رگبار بستند/ پای مترسک زخم برداشت/ دست عروسک را شکستند/ اما علیه دشمن خویش/ دارد ادامه جنگ‌هامان/ پیروز خواهد شد فلسطین/ با انقلاب سنگ‌هامان» (بکتاش، ۱۳۸۰: ۷ و ۶).

- هجوم آمریکا به عراق: «بچه‌های عراقی چه کردند؟/ گریه از ترس، وقتی که غولان/ تانک را وارد کوچه کردند/... بچه‌های عراقی چه گفتند؟/ ما گناهی نداریم...» و آن وقت/ بی صدا در دل خاک خفتند» (علاء، ۱۳۸۱: ۱۰ و ۱۱).

- صلح جهانی: «بیا با هم بخوانیم/ سرود زندگی را/ من از این سوی دنیا/ تو در آن سوی دنیا/... بیا تا با بدی‌ها کنار هم بجنگیم/ چه فرقی دارد آیا/ کجایی یا چه رنگیم/ فلسطینی، عراقی و کویابی و چینی/ ندارد هیچ فرقی/ اگر بهتر ببینی» (ابراهیمی شاهد، ۱۳۸۱: ۶ و ۷).

۳-۳-۵. اشعار نمادین اجتماعی سیاسی

گاهی در شعر کودک و نوجوان این دوره، اشعاری رمزی و نمادین یافت می‌شوند که یادآور شعرهای بعد از مشروطه‌اند؛ به‌عنوان نمونه، در آن دوره، باغچه و کشتزار نماد جامعه‌ی انسانی و توده‌ی مرده بودند. در این مجلات هم اشعاری دیده می‌شوند که یادآور اشعار آن دوره است:

- بوته در برف:

زمین سرد و هوا خاکستری رنگ	«تمام روستا را یخ گرفته است
ده ما قهوه‌ای‌رنگ است انگار	در این بی‌رنگ بی‌پایان ابری
نه آواز زلال جوی آبی...»	نه رقص زرد و گرم کشتزاری

(رحماندوست، ۱۳۸۴: ۶ و ۷)

این شعر یادآور «بیابان را سراسر مه گرفته است» از احمد شاملو:

«بیابان را سراسر، مه گرفته است چراغ قریه پنهان است»

(شاملو، ۱۳۷۲: ۴۸)

یا شعر «بهار خاموش» اوست:

نه دود از کومه‌ای برخاست در ده/ نه چوپانی به صحرا دم به نی داد/ نه گل روئید، نه زنبور پر زد/ نه مرغ کدخدا برداشت فریاد» (همان: ۱۱).

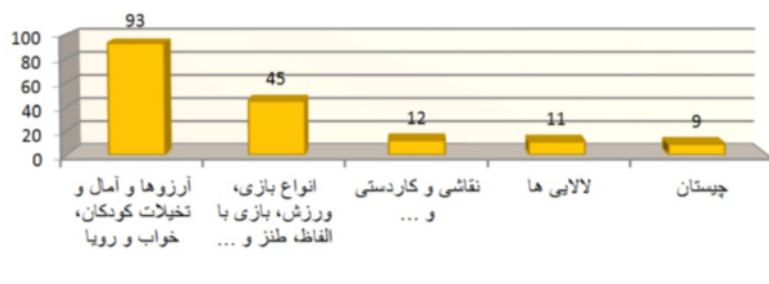
وجود چنین اشعاری در مجلات کودک و نوجوان نشان از آن دارد که شعرای کودک و نوجوان از حال‌وهوای سیاسی کشور خویش بسیار متأثرند؛ یعنی نمی‌توان در خلأ شعر گفت؛ بنابراین در این مجلات شعرهایی از این دست کم نیستند.

۳-۴. تفریحات و سرگرمی‌ها

از مجموع شعرهای بررسی شده در این دوره، ۵۴ شعر با مضامین تفریحات و سرگرمی وجود دارد که از نظر فراوانی موضوعی، در رتبه‌ی چهارم قرار دارند. چنین نتیجه‌ای را پژوهش‌های دیگر نیز تاحدی تأیید می‌کنند.

بیش از نیمی از ذهن کودک درگیر تفریحات و سرگرمی‌هاست و لازم است هنگام شعرگفتن به این خصیصه توجه بیشتری شود. شاعران این حوزه نیز در اشعار خویش به این موضوع توجه بسیار کرده‌اند. «بسیاری از فلاسفه‌ی تعلیم و تربیت و روان‌شناسان بر یگانگی مفاهیم «بازی» و «کودکی» تأکید نموده‌اند و بازی را نه همچون ضرورتی در زندگی کودک که عین زندگی او دانسته‌اند» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۲۱۷). توجه به تفریحات و سرگرمی‌ها به حدی است که عده‌ای از پژوهشگران، ادبیات تفریحی را شاخه‌ای از ادبیات کودک دانسته‌اند (نک: زرقانی و عباسپور نوغانی، ۱۳۸۶: ۱۷۳؛ طهوری، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

بازی‌هایی که در اشعار کودک منعکس شده، چند دسته‌اند: عده‌ای از این بازی‌ها از نوع بازی لفظی، یعنی بازی با کلمات و الفاظ، هستند؛ عده‌ای توصیفگر بازی‌های فیزیکی هستند (مثلاً بادبادک‌بازی را در شعر توصیف می‌کنند)؛ برخی به تفریحات و بازی‌های دیگر، مثل گشتن در طبیعت و یا لالایی خواندن برای کودک اشاره می‌کنند. در تعدادی نیز شرح رؤیاهای خیال‌پردازی‌های کودکان آمده است.



نمودار شماره‌ی ۴: فراوانی مضمون تفریحی و سرگرمی در اشعار کودکان

- بازی با الفاظ: «م، م، م، مادر و بابا/ د، د، د، دریای زیبا/ ل، ل، ل، لاله و گل‌ها/ ب، ب، ب، برگ درخت‌ها...» (فرزان، ۱۳۸۱: ۵).

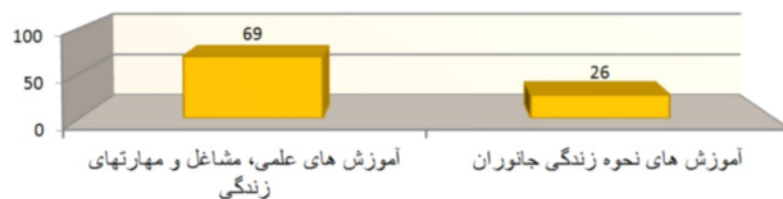
- بادبادک‌بازی: «بادبادک رفت بالا/ بال زد مانند یک قو/ ابرها را قلقلک داد/ هی پرید این سو و آن سو/ ... بادبادک تکه‌تکه/ روی دست خاک افتاد/ آرزوهای قشنگش/ مثل برگی رفت بر باد» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۵).

- کلاغ پر: «گنجشک پر، کلاغ پر / خواهر می‌آد از اون در / راه رفتنو بلد نیست / کوچیکه، این که بد نیست» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵).
- گشت‌وگذار طبیعت: «من به صحرا رفته بودم / رفته بودم گل بچینم / رفته بودم تا بگردم / کوه و صحرا را ببینم» (شعبانی، ۱۳۸۳ الف: ۱۰ و ۱۱).
- طنز (با جوراب بابا): «پالام پولوم پام / سوراخ شده باز / جوراب بابام / انگشت کوچک / از توی سوراخ / آخ واخ / او را با دستم / میدم قلقلک / هرهر می‌خندد انگشت کوچک» (شکیبا، ۱۳۸۴: ۴).
- لالایی: «لالا لالا، لالا ای ماه تابان / که کوچه خلوته، مثل بیابان / لالایت می‌کنم در سن پیری / بزرگت می‌کنم دستم بگیری» (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۱۱).
- آرزوی کودکی: «ای کاش خانه‌ی ما / حیاط کوچکی داشت / می‌شد تو حیاطش / درخت سیب و گل کاشت / حالا دیگه خانه‌ها / بی حیاط و بی صفاست / نه باغچه‌ای نه حوضی / بهار ما پس کجاست؟» (رحمان‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۲ و ۴۳).
- گاه شعر کودک به نقاشی می‌پردازد که تفریح مهمی برای کودک محسوب می‌شود و کودک یاد می‌گیرد که با رنگ و کاغذ می‌تواند دنیایی تازه به دلخواه خویش بسازد و همین تولید و خلاقیت برایش لذتی خاص به همراه دارد. در اینجاست که کودک می‌تواند به آروزهایش برسد یا عقده‌هایش را خالی کند؛ مثلاً در نقاشی او می‌تواند خواهر بزرگش را کوچک‌تر از خودش نقاشی کند یا برای پدر کچلش، مو نقاشی کند.
- تعلیم نقاشی: «یک نقطه اینجا می‌کشم / یک نقطه آنجا می‌کشم / یک خط ساده مثل این / در بین آن‌ها می‌کشم / یک نصفه گردو می‌کشم / بر نقطه‌ی بالا ببین / آن وقت که رنگش می‌کنم / آن را بیا حالا ببین / نقاشی‌ام، آماده شد / نقاشی من شکل چیست؟ / یک قارچ است آن، یا که چتر / آیا شبیه هر دو نیست؟» (ابراهیمی شاهد، ۱۳۸۷: ۱۱).
- تعلیم کاردستی: «اگر بخوای بسازی / به راحتی بادبزن / کاغذ نقاشیت رو / خط بکش و تا بزن / حالا با این بادبزن / باد رو بیار تو خونه / پرها را جابه‌جا کن / آروم و دونه‌دونه» (وظیفه‌شناس، ۱۳۸۴ الف: ۷).

۳-۵. مضمون آموزشی علمی

در مجلات این دوره اشعار با مضامین آموزشی و علمی از نظر بسامد در رتبه‌ی پنجم قرار دارد؛ یعنی مجموعاً ۷۹ شعر از بین اشعار بررسی‌شده به این امر اختصاص دارند. گرچه در

همه‌ی اشعار به‌ویژه شعر کودک آموزش وجود دارد، منظور از مضمون آموزشی در این مقاله آن دسته از اشعاری است که در آن‌ها شاعر تأکید زیادی روی امر آموزش پدیده‌های اطراف زندگی کودک دارد. به بیان دیگر، شاعر در این دسته از اشعار به‌طور مستقیم آموزش می‌دهد. می‌توان دلیل آموزش مستقیم در شعر کودک را این نکته دانست که شاعران کودک ابعاد زیباشناختی و هنری شعر را عناصری فرعی و حاشیه‌ای فرض کرده‌اند و شعر را فقط رسانه‌ای در خدمت آموزش دانسته‌اند. شاعر می‌خواهد کودک زودتر با امور هستی آشنا شود، اشیاء و عناصر طبیعی و عالم ماده را بشناسد؛ از این رو سعی می‌کند برای کودک از بسیاری زوایای مخفی امور هستی پرده‌برداری می‌کند: «پنبه چیز عجیبی است / من نمی‌دانستم این را / تا خودم با چشم‌هایم / دیدم او را توی صحرا / رفته بود او توی غوزه / مثل یک گل دیده می‌شد / او به دست پنبه‌کاران / دانه‌دانه چیده می‌شد / غوزه بر عکس پنبه / ... / من نمی‌دانم چه جور / این دو با هم چفت بودند / واقعاً خیلی عجیب است / کارهای این طبیعت / خاک‌ها را با کمی آب / پنبه‌کردن نیست راحت» (کشاوری، ۱۳۸۲: ب: ۳۲).



نمودار شماره‌ی ۵: فراوانی مضمون آموزشی و علمی اشعار کودکان

البته باید گفت گاه آموزش در شعر کودک چندان هم مستقیم نیست؛ یعنی شاعر، آموزش را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌دهد، اما فضای کلی شعر به گونه‌ای است که نمی‌توان برداشتی غیر از این از شعر داشت: «یه غول داریم تو خونه / که خیلی مهربونه / اون سطل آشغال ماست / همیشه دنبال ماست / از صبح تا شب همیشه / می‌خوره سیر نمی‌شه / هی می‌گه بچه‌هاجون / تو خونه و خیابون / هرچه زباله دارید / برای من بیارید» (شعبانی، ۱۳۸۳: ب: ۴۷).

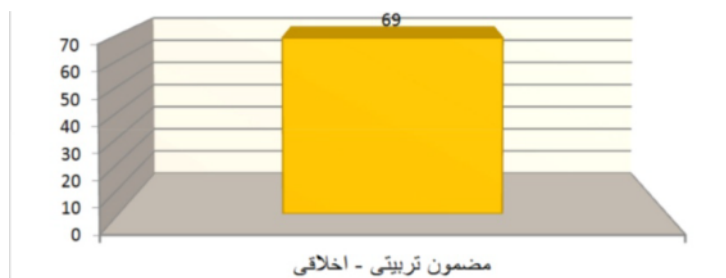
شاعر به شیوه‌ای غیرمستقیم به کودک آموزش می‌دهد که از ریختن زباله در محیط زندگی پرهیز کند و سطل زباله را غولی فرض کرده که گنجایش پذیرش زباله را به هر میزانی که تولید کنیم دارد و برای بلعیدن زباله سیری‌ناپذیر است. او از زبان سطل زباله از کودکان می‌خواهد تا در معابر عمومی، از آن استفاده نکنند.

شاعر با زبانی ساده به معرفی و آموزش رنگ‌ها به کودک پرداخته است. ابتدا رنگ سیاه و سفید و سپس سرخ، زرد، بنفش، قهوه‌ای، طوسی، ارغوانی، سبز و آبی را معرفی کرده و در انتها همه را آفریده‌های خدا دانسته و رنگ سیاه را نه تنها زشت نمی‌داند بلکه همه‌ی رنگ‌ها را نشانی از بهشت خدا می‌داند. با این امر شاعر همه مردم سیاه و سفید را هم در نظر خدا یکی می‌پندارد: «بگو سیاه زیباست/ برادر سفید است/ سیاه، چون شب عید/ سفید، روز عید است/ بگو که سرخ خوب است/ بگو که زرد زیباست/ زرد به رنگ خورشید/ سرخ به رنگ گل‌هاست/ بگو بنفش زیباست/ و قهوه‌ای قشنگ است/ و طوسی، ارغوانی، .../ خلاصه هر چه رنگ است!» (ابراهیمی شاهد، ۱۳۸۲: ۳۲).

شعر زیر نیز آموزش شغل سلمانی برای کودکان است: «امروز با بابا/ رفتم به سلمانی/ درباره‌ی آنجاست/ شعری که می‌خوانی/ آقای سلمانی/ یک مرد خوشرو بود/ روی سرش اما/ یک عالمه مو بود/ او قیچی خود را / چق‌چق تکان می‌داد/ آینه‌ای گنده/ ما را نشان می‌داد...» (کشاورز، ۱۳۸۲ الف: ۱۰ و ۱۱).

۳-۶. مضمون تربیتی اخلاقی

مضمون تربیتی اخلاقی از دیگر مضامینی است که در شعر این دوره فراوان به چشم می‌خورد و از نظر فراوانی شایان توجه است. منظور از اشعار تربیتی اخلاقی صرفاً آن دسته از اشعار هستند که پیامی اخلاقی دارند؛ این پیام اخلاقی یک پیام کلی است که مختص هیچ قوم و دین و قبیله‌ای نیست و در همه‌ی اقوام و ادیان این پیام یافت می‌شود. در پژوهشی مشابه که قبلاً توسط زرقانی و عباسپور نوغانی (۱۳۸۶) در دهه‌ی هفتاد انجام شده، مضمون اخلاقی تربیتی در رتبه‌ی آخر قرار داشته است؛ از این رو می‌توان گفت، در شعر کودک گرایش کمتری برای به کار بردن مضامین تربیتی وجود دارد.



نمودار شماره‌ی ۶: فراوانی مضمون تربیتی اخلاقی در اشعار کودکان

در شعر زیر شاعر با طرح موضوع نوع‌دستی، به‌گونه‌ای از مضامین تربیتی اخلاقی توجه کرده است: «گرفتم سیبی از مامان/ که شکل قلب آدم بود/ ولی خیلی بزرگ و چاق/ تمام آن زیادم بود/ به او گفتم که: 'سیبم را/ بیا نصفش بکن لطفاً/ به یاد دوستم هستم/ که بازی می‌کند با من/ دلم می‌خواهد از سیبم/ برای او نگه دارم.' / به من لبخند زد مامان/ خوشش آمد از این کارم...» (کشاوری، ۱۳۸۷: ۲۶ و ۲۷).

این شعر به صورت غیرمستقیم احسان و نیکی کردن را که خصیصه‌های اخلاقی هستند یادآوری می‌کند. با توصیف سیب به شکل قلب، به قلب پر عطفوت کودک نیز اشاره دارد و لبخند مادر، رضایت و تأیید عمل نیک کودک است.

در شعر زیر شاعر به کودک توصیه می‌کند، همان‌طور که مادر، در کودکی او را تر و خشک کرده، او نیز موظف است در دوران کهولت و پیری که مادر چون کودکی ناتوان می‌شود، از او مراقبت کند: «شیر می‌خوردم من/ اشک‌هایم نو بود/ کهنه‌ام را می‌شست/ او برایم نو بود/ تر و خشکم می‌کرد/ دست‌های مادر/ بال وا می‌کردم/ با صدای مادر/ .../ ریخت دندان‌هایش/ مثل یک کودک شد/ حال من می‌بوسم/ صورت پیرش را/ از مغازه هر روز/ می‌خرم شیرش را» (مزینانی، ۱۳۸۵: ۷۰).

در شعر زیر شاعر با بیانی غیرمستقیم کودک را از قهر کردن منع می‌کند: «پروانه با گل/ قهر است انگار/ رفته نشسته/ بالای دیوار/ گل پای دیوار/ افتاده تنها/ از غصه بسته/ گلبرگ خود را/ این ماند تنها/ آن مانده غمگین/ بمیرد این قهر/ الهی آمین!» (ماهوتی، ۱۳۸۱: ۴). در واقع، ماهوتی با بهره‌گیری از عناصر طبیعت و جانوران، پیامد قهر را که نهایتاً به تنهایی و انزوا منجر می‌شود، بیان کرده است.

۳-۷. مضامین متفرقه

گاهی در اشعار کودک، موضوعات دیگری غیر از آنچه ذکر شد، مطرح می‌شود که از نظر فراوانی چندان چشمگیر نیستند؛ اما به دلیل اهمیتشان در ادبیات کودک، در این قسمت فقط به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۷-۱. روان‌شناسی

در بعضی شعرها نکات روانشناسی جدید به چشم می‌خورد؛ برای مثال، شاعر گاهی از «کودک درون» بحث می‌کند: «شوق پرواز دارم/ شوق بالا پریدن/ شوق آواز خواندن/ شوق هر سو

دویدن / ... کودک توی قلبم / مهربان است و زیباست! / کودکی هشت‌ساله / اسم او جعفر آقاست» (ابراهیمی شاهد، ۱۳۸۳: ۹).

شاعران کودک و نوجوان گاهی نیز رؤیاها و دغدغه‌های روانی کودک را در کانون توجه قرار می‌دهند. خواب و تعبیر آن به همراه رؤیاپردازی یکی از این دغدغه‌های درونی کودکان است: «خواب و خواب و خواب می‌بینم / آفتاب و مهتاب می‌بینم / خواب می‌بینم ماهی شدم / تو رودخونه راهی شدم / خونه می‌خوام برای خواب / بگو کجا؟ / میون آب» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸ و ۹).

گاه در شعر، فضاهای خواب و رؤیا چنان توصیف می‌شود که یادآور مسخ در روان‌شناسی و جریان سیال ذهن در داستان‌نویسی است؛ اما ناگفته پیداست که منظور شاعر در اینجا مسخ نیست بلکه فقط تصویری از دغدغه‌های کودکی را شرح داده است: «تو خواب بودم که دیدم / بابام شده کلاغی / نشسته رو درختی / که هست میون باغی / پنیری داشت به منقار / می‌خواست بخونه آواز / صدا زدم 'بابام جون / منقارتو نگه دار' / روباهی از اون پایین / داد کشید 'آی بچه‌جون / چه کار داری به کارش / زود برو اینجا نمون' / روباهه آشنا بود / شکل کی بود یادم نیست / باید بازم بخوابم / شاید بفهمم اون کیست» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳).

۳-۷-۲. مضامین شبه‌اسطوره‌ای

در برخی اشعار کودکان مضامینی یافت می‌شوند که نمی‌توانند مصداق یک اسطوره‌ی کامل باشند و ویژگی‌های یک اسطوره‌ی کامل را ندارند؛ از این رو، شبه‌اسطوره‌ای خوانده می‌شوند. گاه اسطوره‌ها یا شبه‌اسطوره‌های خاصی در دنیای کودکان خلق می‌شود و در شعر کودک بروز پیدا می‌کند. چلچله و شاپرک و قاصدک از جمله نمادهایی هستند که در شعر کودک بسیار استفاده می‌شوند و کم‌کم در حال تبدیل شدن به یک اسطوره هستند؛ چرا که با وجود تأکید فراوانی که در اشعار بر آنها شده، از آنها فقط نامی باقی مانده است. این نمادها همچون سیم‌رغ، اساطیری به نظر می‌آیند؛ مصداق آنها برای ما آشنا نیست یا کمتر آشناست، اما اسمشان دنیای ما را پر کرده است:

– شاپرک: «در اتاقم آمد و بر صورتم / شاپرک یک بوسه با لبخند زد / رفت بیرون و دو چشمان مرا / با پل رنگین کمان پیوند زد» (درویشی، ۱۳۸۴: ۷).

«شاپرک می‌آید / می‌سراید بلبل / همه‌جا می‌پیچد / بوی یاس و سنبل...» (معتد جلالی، ۱۳۸۱: ۹).

– چلچله: «خانه در انتظار گل / باغچه بی‌قرار گل / موقع برف رفت و شد / فصل گل و بهار گل / ... چلچله مژده می‌دهد: / آمده روزگار گل» (نیک‌طلب، ۱۳۸۵: ۵).

پریان و فرشتگان و تخم‌مرغ طلایی از دیگر مضامین شبه‌اسطوره‌ای پرتکرار در اشعار کودکانند: «مرغی دارم/ قدقد می‌کنه/ با قدقدش/ خروسو صدا می‌کنه/ جوجه‌ها رو/ تو لونه جا می‌کنه/ تو قصه‌ها/ تخم طلا می‌کنه/ این کارا رو/ مرغ بلا می‌کنه/ بعدش می‌ره/ راحت لالا می‌کنه» (وظیفه‌شناس، ۱۳۸۴: ب: ۵).

گاهی نیز اسطوره‌های تازه به اشعار وارد می‌شوند؛ مثلاً هری‌پاتر در دنیای کودکان با آن همه کتاب‌های پرتعدادی که به خود اختصاص داده، در حال تبدیل به یک نماد اساطیری است: «هری پاتر تو هستی/ کار تو بهتر از اوست/ تمام کارهایت شبیه سحر و جادوست/ تو دیشب باز کردی/ گره از اخم بابام/ به لبخندی نهادی/ دوا بر زخم بابام» (علاء، ۱۳۸۱: ۸ و ۹). پای موجودات فضایی نیز به تعدادی از اشعار کودکان باز شده است. این موجودات که امروزه در دنیای فیلم‌ها و پویانمایی‌ها (انیمیشن‌ها) بسیار دیده می‌شوند، به دنیای شعر کودکان هم وارد شده‌اند: «حسنک گفت به او/ آی کوه آهن/ کیستی آخر تو/ دوستی یا دشمن/ آن غریبه خندید/ گفت من کمباکم/ شهر من آتاری است/ از فضا می‌آیم» (عزیزی، ۱۳۸۱: ۶ و ۷). آرمانشهر یا مدینه‌ی فاضله، شهری رؤیایی و خیالی یا به عبارت دیگر اساطیری است که ساخته‌ی خیال بشر برای دستیابی به آرمان‌های دوردست خویش است. این اندیشه که از زمان افلاطون رواج یافته، در شعر کودکان هم نشانه‌هایی از خود به جا گذاشته است: «زیر چتری از مه/ پشت دریای کبود/ جای زیبایی هست/ با گل و چشمه و رود/... پشت دریا انگار/ آخر فاصله‌هاست/ خوب می‌دانم من/ جای خوبی آنجاست» (ماهوتی، ۱۳۸۱: الف: ۷).

شعر زیر نیز یادآورد شعر «پشت دریاها شهری است» از سهراب سپهری است: «دور از اینجا، در آن سوی دنیا، آن طرف‌تر ز جنگل انبوه/ بعد از آن دشت‌های پرمحصول/ آن سوی قلّه‌های برفی کوه/... در دل سبزه‌زار خرم هست/ خانه‌هایی و بعد از آن یک شهر/ بچه‌ها، پایه‌پای هم بروید/ سوی این شهر شاد و پرخنده/ شهر امید و نور و زیبایی/ شهر پاکی به نام «آینده»» (نیکخواه آزاد، ۱۳۸۴: ۷ و ۶).

۴. نتیجه‌گیری

مضامین بررسی‌شده در این پژوهش، محتوای اشعار نشریات کودک دهه‌ی هشتاد را نشان می‌دهد. نشریات به مقوله‌ی شعر کودک بسیار توجه دارند. در تمام شماره‌های مجلات، یک الی سه صفحه و در پاره‌ای از مواقع حتی چهار صفحه به شعر کودک اختصاص دارد. تعداد

اشعاری که با مضمون طبیعت در این مجلات سروده شده‌اند، فراوان و چشمگیرند. دین هم در اشعار این دوره، موضوعی پربسامد است و از نظر فراوانی، بعد از طبیعت قرار دارد. چنین امری با نتایج یکی دو تحقیق مشابه، تفاوت بارزی دارد. این اختلاف معنادار گویا بدین خاطر است که اشعار بررسی شده در مجلات چاپ شده‌اند و ممکن است اهداف خاص مجله در گزینش شعرها اثرگذار بوده باشد. فراوانی شعر با مضامین تفریحات و سرگرمی و آموزشی علمی را پژوهش‌های دیگر نیز تأیید کرده بودند. مضمون اخلاقی تربیتی در اشعار مجلات کودک این دوره، در رتبه‌ی آخر قرار دارد و این نشان می‌دهد که گویا در شعر کودک گرایش کمتری برای به کار بردن مضمون تربیتی وجود دارد. در شعر کودک این دوره نمونه‌هایی شبه‌اسطوره‌ای (چلچله، شاپرک، موجودات فضایی و...) نیز در حال خلق شدن هستند که از نظر روان‌شناسی باید تحلیل و بررسی شوند، تا دنیای ذهنی شاعران شعر کودک بیشتر واکاوی شود. هری پاتر نمادی اساطیری است که محصول ارتباط با دنیای غرب است. این نشانه و نماد می‌تواند حامل این پیام باشد که توجه شاعران کودک به رسانه‌ی تلویزیون و محصولات فرهنگی و غربی‌اش بیشتر شده؛ شاید هم نپرداختن به اساطیر ایرانی در اشعار کودک چنین خلأیی را ایجاد کرده است.

منابع

- ابراهیمی شاهد، جعفر. (۱۳۸۱ الف). «خدایا را تو را می‌پرستم». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۲۹۳، ص ۷۰۷.
- _____ . (۱۳۸۱ ب). «سرود زندگی». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۲۹۶، صص ۷۰۶-۷۰۷.
- _____ . (۱۳۸۲). «رنگ‌ها». *دوست*، ش ۹۲، ص ۳۲.
- _____ . (۱۳۸۳ الف). «چرا؟». *دوست*، ش ۱۲۸، ص ۹۰.
- _____ . (۱۳۸۳ ب). «کودک دلم». *دوست*، ش ۱۳۸، ص ۹.
- _____ . (۱۳۸۵). «بچه عروسکم». *کوشش*، ش ۱۰، ص ۷.
- _____ . (۱۳۸۶). «گل و شبنم». *کوشش*، ش ۱۳، ص ۱۰.
- _____ . (۱۳۸۷). «نقطه، خط». *کوشش*، ش ۱۴، ص ۱۱.
- استادزاده، زهرا. (۱۳۹۱). «بررسی محتوایی اشعار کودکانه‌ی پروین دولت‌آبادی بر قایق‌برها و گل‌بادام». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۳، ش ۲، صص ۱-۲۴.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۸). *شعر کودکی*. تهران: مروارید.

- بازقی، سمیر. (۱۳۸۹). «عصا و بابابزرگ». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۱۸۱، ص ۴۹.
- باهنر، ناصر. (۱۳۸۸). «تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته‌ی دینی کودکان». *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۱، ش ۲، صص ۲۰۳-۲۳۵.
- بکناش، غلامرضا. (۱۳۸۴). «در حیات ما». *کوشش*، ش ۷، ص ۳۱.
- _____ . (۱۳۸۰). «انقلاب سنگ‌ها». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۲۳۹، ص ۷۰.
- بی‌نا. (۱۳۸۹). «ای ماه تابان لالایی». *رشد کودک*، ش ۱۳۷، ص ۱۱.
- بیانی، فائزه. (۱۳۸۱). «امواج». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۲۸۸، ص ۴۸ و ۴۹.
- پرستش، شهرام. (۱۳۸۹). «جهان تازه استقلال یافته‌ی کودکان؛ جستاری در انسان‌شناسی ادبیات کودک». *مطالعات ادبیات کودک*، ش ۱، صص ۳۱-۵۴.
- پوروهاب، محمود. (۱۳۸۱). «کسی شبیه او». *دوست*، ش ۷۵، صص ۱۲ و ۱۳.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). *معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه‌ی ادبیات کودک*. تهران: مرکز.
- درویشی، مرتضی. (۱۳۸۴). «پیغام بهار». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۴۳۰، ص ۷.
- دولت‌آبادی، پروین. (۱۳۸۳). «خدا در رنگ و بوی گل». *دوست*، ش ۱۳۷، ص ۹.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۸۴). «بوته در برف». *دوست*، ش ۲۲۵، صص ۷۰ و ۷۱.
- _____ . (۱۳۸۵). «دو تابلو». *دوست*، ش ۲۵۲، صص ۷۰ و ۷۱.
- رحمان‌زاده، عطیه. (۱۳۸۱). «ای کاش خانه‌ی ما». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۲۹۲، صص ۴۲ و ۴۳.
- رحمانی، آسیه. (۱۳۸۵). «بادبادک». *سروش کودکان*، ش ۱۷۹، ص ۵.
- زاده‌امیری، م. (۱۳۸۱). «زندگی». *کیهان بچه‌ها*، ش ۲۲۸۸، صص ۴۸ و ۴۹.
- زرقانی، سیدمهدی و محبوبه عباسپور نوغانی. (۱۳۸۶). «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه‌ی هفتاد». *مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی*، ش ۱۵۹، صص ۱۶۷-۱۹۲.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۲). *هوای تازه*. تهران: نگاه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۶). «خواب قشنگ». *کوشش*، ش ۱۲، صص ۸ و ۹.
- _____ . (۱۳۸۷). «گنجشک پر، کلاغ پر». *رشد کودک*، ش ۱۱۹، ص ۵.
- شعبانی، اسداله. (۱۳۸۳ الف). «ساز من، ساز جیرجیرک». *کوشش*، ش ۴، ص ۱۰ و ۱۱.
- _____ . (۱۳۸۴ الف). «زیر باران». *کوشش*، ش ۷، ص ۷.
- _____ . (۱۳۸۴ ب). «سطل آشغال». *سروش کودکان*، ش ۱۷۰، ص ۴۷.
- _____ . (۱۳۸۶). «آرزوی من». *دوست*، ش ۲۹۵، صص ۷۰ و ۷۱.

- _____ . (۱۳۸۷). «ای زمین». دوست، ش ۳۶۶، صص ۲۶ و ۲۷.
- شکیبا، م. (۱۳۸۴). «پالام پولوم پام». رشد کودک، ش ۹۵، ص ۴.
- طهوری، مهدی. (۱۳۸۱). «تکه‌ای آواز چکه‌ای مهتاب». پژوهش‌نامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، س ۸، ش ۳۱، ص ۱۸۷.
- عزیزی، محمد. (۱۳۸۱). «حسنک و مهمان‌های ناخوانده». کیهان بچه‌ها، ش ۲۳۲۲، صص ۶-۳۲.
- علاء، افشین. (۱۳۸۱). «هری پاتر». دوست، ش ۶۹، صص ۸ و ۹.
- _____ . (۱۳۸۲ الف). «شعر آتش». دوست، ش ۸۱، ص ۱۰ و ۱۱.
- _____ . (۱۳۸۶). «آرزوی رزمنده (به یاد شهدای تخریبی)». دوست، ش ۳۰۲، صص ۲۶ و ۲۷.
- علی‌اکبر سلطان، ناصر. (۱۳۸۳). «خدا». دوست، ش ۱۳۱، ص ۹.
- _____ . (۱۳۸۵). پژوهشی در شعر کودک. تهران: تیرگان.
- فردوس، شیوا. (۱۳۸۱). «کله گنجشکی». کیهان بچه‌ها، ش ۲۳۱۳، صص ۶ و ۷.
- فرزان، صبا. (۱۳۸۱). «زیبایی دنیا». رشد کودک، ش ۶۵، ص ۵.
- قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۸۶). «خواب و رؤیا». کوشش، ش ۱۲، ص ۳۳.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۸۲ الف). «آقای سلمانی». دوست، ش ۱۱۳، صص ۱۰ و ۱۱.
- _____ . (۱۳۸۲ ب). «پنبه‌ها را دوست دارم». دوست، ش ۹۰، ص ۳۲.
- _____ . (۱۳۸۷). «سیب». دوست، ش ۳۶۹، صص ۲۶ و ۲۷.
- کلاته، زهرا. (۱۳۸۷). «مدال بابا». دوست، ش ۳۳۴، صص ۶ و ۷.
- کیانوش، محمود. (۱۳۵۲). شعر کودک در ایران. تهران: آگاه.
- ماهوتی، مه‌ری. (۱۳۸۱ الف). «شهر خوبی‌ها». کیهان بچه‌ها، ش ۲۲۹۵، صص ۶ و ۷.
- _____ . (۱۳۸۱ ب). «قهر». رشد کودک، ش ۶۶، ص ۴.
- _____ . (۱۳۸۲). «شکل پروانه». دوست، ش ۱۱۱، ص ۱۰.
- محقق، جواد. (۱۳۸۱). «مدرسه‌ی آسمان». کیهان بچه‌ها، ش ۲۳۱۹، صص ۶ و ۷.
- مرتضوی کرمانی، علیرضا. (۱۳۶۴). ضوابط و اصول و نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان. تهران: کانون فرهنگ و هنر اسلامی.
- مزیانی، محمد کاظم. (۱۳۸۵). «کهنه و نو». دوست، ش ۲۷۳، صص ۶ و ۷.
- معتمد جلالی، سمیرا. (۱۳۸۱). «شاپرک». سروش کودکان، ش ۱۳۰، ص ۹.
- _____ . (۱۳۸۴). «غنچه‌ی کوچک». سروش کودکان، ش ۱۶۶، ص ۵.

موسوی گرمارودی، سیدمصطفی. (۱۳۸۶). شعر کودک از آغاز تا امروز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

موسویان، انسیه. (۱۳۹۱). بررسی طنز و فکاهی در شعر کودک و نوجوان دهه‌ی هشتاد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، پردیس آموزش‌های تخصصی نیمه‌حضورى دانشگاه علامه‌ی طباطبائی تهران.

میرزاده، سیداحمد. (۱۳۸۴). «خواب شیرین». سروش کودکان، ش ۱۷۳، ص ۳۱.

نیکخواه آزاد، وحید. (۱۳۸۴). «شهری به نام آینده». دوست، ش ۲۲۳، صص ۶ و ۷.

نیک‌طلب، بابک. (۱۳۸۵). «غزل گل». سروش کودکان، ش ۱۷۶، ص ۵.

وظیفه‌شناس، شراره. (۱۳۸۴ الف). «باد و پر». کوشش، ش ۷، ص ۷.

_____ . (۱۳۸۴ ب). «مرغی دارم؟». کوشش، ش ۵، ص ۵.

یمینی شریف، عباس. (۱۳۸۴). نیم قرن در باغ شعر کودک. تهران: روش نو.